



قعرنشینی، زمین سوخته، حساب خالی، ارثیه تلخ برای آقای رئیس

فورهند تنیس به سوی آینده!



سعید آقایی

Saeed Aghaee

تنیس سال هاست که در ایران بدل به یک رشته گوشه گیر و گوشه نشین شده است. پس از دوران طلایی پیش انقلاب و ظهور ستاره‌های بزرگی که حتی مدال آسیایی را به این رشته جذاب هدیه کردند، تنیس در سال‌های طولانی بعد از انقلاب کمتر دستاوردی داشته و موفقیت را تجربه کرده. رشته‌ای که در دنیا ترنول مالی آن هم اندازه رشته مهم و پولسازی چون فوتبال ارزیابی می‌شود و ستاره‌هایش جلگی جزو پولسازترین و البته پولدارترین رشته‌های دنیا به شمار می‌روند اما در ایران این داستان به گونه‌ای دیگر روایت شده و همه چیز دقیقاً در نقطه صفر آغاز می‌شود.

در عصر مینی‌مال‌ها، مخاطبان بدون گلایه، خمیازه و پلک زدن نزدیک به ۶ ساعت دقیقه به تماشای فینال یک گرنداسلم می‌نشینند و چشم از زمین برنمی‌دارند اما سهم تنیس ما از این پدیده جذاب نه صفر، بلکه زیر صفر است؛ ورزشی که در ایران در گرداب ناکامی و سقوط گیر افتاده و از این دنیای بی‌پایان لذت و مکنت سهمی نمی‌برد. در تنیس ایران مدت هاست همه چیز به یک واژه ختم می‌شود؛ شکست و ناکامی! واژه‌ای که گویا نصب العین این رشته در یک دهه اخیر بوده.

باختن، باختن و باختن؛ این حدیث مکرر تنیس ایران است؛ اتفاقی که هر سال به سال دیگر و از آن گریزی نیست. برای تنیس ایران حتی رویابافی درباره حضور صرف در گرنداسلم‌ها و المپیک‌ها ممنوع و قذغن است که این موضوع اسباب خنده و مضحکه را فراهم می‌کند. تنها حضور بین‌المللی ایران به رقابت‌های دیویس کاپ محدود می‌شود که در آن مدت‌ها است از آسانسور عبور کرده و حکم زنگ تفریح را پیدا کرده‌ایم.

سقوط به دسته چهارم دیویس کاپ آینه نمای تمام قد وضعیت تنیس ایران است؛ آنچه

ثابت می‌کند که در یک دهه اخیر در این رشته تنها ناکامی درو کرده‌ایم و بس. حکایتی که سال‌ها است تکرار می‌شود و در تنیس مسبق به سابقه است. باختن دور باطلی است که در تنیس ادامه دارد و از تورنمنتی به تورنمنت دیگر تکرار می‌شود. فرقی نمی‌کند مسابقات دیویس کاپ باشد یا بازی‌های آسیایی جاکارتا و یا مسابقات کشورهای اسلامی؛ ما محکوم به شکستیم و تأسفار اینکه این شکست‌های پی‌درپی بدون حتی یک برد تشریفاتی حاصل می‌شود. اگر مصداق و تمثیل کامل و جامعی از سقوط و ناکامی می‌خواهید، تنیس را مثال بزنید؛ رشته‌ای که از شکست تعریف تازه‌ای را در جغرافیای ورزش ارائه کرده!

ریشه این ناکامی‌های سریالی را البته باید در بیرون از زمین و در صندلی مدیریت جست‌وجو کرد. تنیس مدت‌ها است از بحث مدیریتی ضربه می‌خورد؛ فدراسیونی که ۲ دوره تمام در تیول قدرت مجید شایسته‌ای بود که هیچ آشنایی و قربانی با این رشته نداشت. شایسته ۴+۴ سال بر صندلی ریاست تکیه زد و پس از آن یک سال نیز به عنوان سرپرست فدراسیون را اداره کرد اما این حضور ۹ ساله دستاوردی جز ناکامی نداشت. در این سال‌ها اندک داشته‌های تنیس نیز بر باد رفته و تنها ناکامی درو کرده‌ایم.

فدراسیون شایسته ۸ سال شبانه‌روز برنامه‌ریزی کرد تا در نهایت به گروه ۴ آسیا رسیدیم؛ جایگاهی که البته نیاز به هیچ برنامه و هزینه و تشکیلاتی ندارد چرا که اگر همین امروز کشوری بخواهد تنیس را از نقطه صفر شروع کند، از دسته ۴ در آسیا آغاز خواهد کرد. آنچه نشان دهنده شرایط اسفناک این رشته جذاب و هیجان انگیز در ایران است.

سرپرستی که پست گرفت!

بعد از ۸ سال دور باطل، وزارت ورزش و جوانان به این نتیجه رسید که این فدراسیون نیازمند یک مدیریت جدید و یک چهره تازه است اما برای کنار گذاشتن مجید شایسته از صندلی ریاست ۲۰ ماه وقت تلف کرد تا تنیس در این بلاتکلیفی محض پایین و پایین‌تر برود. دوران سرپرستی شایسته یک

سال به طول انجامید و پس از آن وزارت بالاخره با انتخاب احمد نامنی به عنوان سرپرست فدراسیون را از شایسته گرفت.

نامنی بعد از رسیدن به صندلی سرپرستی بلافاصله تغییرات را در این فدراسیون آغاز کرد تا فدراسیون را تغییر دهد. تغییراتی شتاب زده و فله‌ای که تنها برای پاکسازی فدراسیون صورت گرفت.

احمد نامنی در همان نخستین روزهای فعالیتش در فدراسیون تقریباً خانه تکانی برای تمام پست‌های کلیدی فدراسیون داشت و اندکی بعد در اقدامی سؤال برانگیز برای کاندیداتوری برای پست هیأت رئیسه کنفدراسیون تنیس آسیا ثبت نام کرد.

مجمع انتخاباتی کنفدراسیون تنیس آسیا اول دسامبر ۲۰۱۹ در هند برگزار و همانند روال همیشگی اعضای هیأت رئیسه و سایر کمیته‌های کنفدراسیون تنیس آسیا نیز انتخاب شدند. از ایران مجید شایسته رئیس اسبق فدراسیون عضو هیأت رئیسه آسیا بود اما با توجه به خروج او از سمت ریاست فدراسیون، تصمیم بر این شد که فرد دیگری به جای او در این انتخابات حاضر شده و کاندیدا شود. در کمال تعجب، احمد نامنی سرپرست وقت فدراسیون خود را به عنوان کاندیدای هیأت رئیسه معرفی کرد که جای ابهامات بسیار داشت. کاندیداتوری نامنی در انتخابات هیأت رئیسه کنفدراسیون تنیس آسیا در حالی صورت گرفت که مهم‌ترین وظیفه سرپرست فدراسیون‌های ورزشی در دوران موقت



حضور فراهم کردن زمینه برگزاری انتخابات برای فدراسیون است اما سرپرست وقت فدراسیون تنیس خود را برای کرسی آسیایی معرفی کرد آن هم در شرایطی که هیچ تخصصی در این رشته نداشت!

در نهایت در انتخابات کنفدراسیون تنیس آسیا نامنی با وجود اینکه در محل برگزاری انتخابات حضور نداشت اما توانست رأی بیاورد و عضو هیأت رئیسه شود تا با وجود حضور موقتی در فدراسیون ۴ سال کرسی آسیایی این رشته را در تیول قدرت خود داشته باشد! کرسی که در آن تصمیمات کلیدی و کلی برای تنیس آسیا اتخاذ خواهد شد اما از ایران فردی عضو هیأت رئیسه است که تقریباً از تنیس چیزی نمی‌داند و در تشکیلات فدراسیون نیز هیچ کاره است!

مدیرکلی که رئیس شد

سرانجام بعد از تعویق سه باره انتخابات فدراسیون تنیس، ۱۱ خرداد ماه انتخابات این فدراسیون برگزار شد تا این رشته پس از ۲۰ ماه بلاتکلیفی، صاحب رئیس شود. برای این انتخابات ۷ کاندیدا تأیید صلاحیت شدند؛ عبدالرضا آریان‌فر، علیرضا پورسلمانی، پیمان جعفری طهرانی، محمود رضا حسینی، داود عزیزی، کامیار کیمیایی و رضا میرابوطالبی. بی‌تردید مهم‌ترین کاندیدای این انتخابات داود عزیزی مدیرکل دفتر امور مجلس وزارت ورزش و جوانان بود که حرف و حدیث‌های زیادی درباره حضورش در انتخابات به راه افتاده بود و با توجه به سمتی که در وزارت ورزش داشت، گزینه اصلی به نظر می‌رسید و در نهایت طبق پیش‌بینی‌ها به راحتی انتخاب شد. داود عزیزی توانست با کسب حداکثر آرا به عنوان رئیس فدراسیون تنیس در ۴ سال آینده انتخاب شود. عزیزی ۳۴ رأی از ۴۳ رأی مأخوذه را کسب کرد، پیمان جعفری ۶ رأی، کامیار کیمیایی ۲ رأی و علیرضا پورسلمانی ۱ رأی داشتند.

انتخاب عزیزی نقطه‌ای بر آغاز دوران جدید تنیس به شمار می‌رود. رئیس جدید در همان مجمع انتخاباتی به صراحت اعلام کرد: «حال تنیس ایران خوب نیست» جمله‌ای کاملاً درست و ملموس که اهالی تنیس نیز به خوبی آن را لمس